

نقد کتاب درآمدی بر پژوهش روش‌های آمیخته و تحلیل وجوه خطابی آن

مهدی شقاقی*

چکیده

در مقاله حاضر هدف آن است که به بهانه نقد کتاب «درآمدی بر پژوهش روش‌های آمیخته» به نقد روش‌شناختی چارچوب پژوهش آمیخته‌ای که در این کتاب توسط جان کرسول معرفی شده است اهتمام شود. پس از مقدمه و بحثی روش‌شناختی، به معرفی کوتاه کتاب پرداخته و ضمن معرفی آثار مشابه در حوزه موضوعی کتاب، جایگاه آن در میان سایر آثار ترسیم شده است. سپس توصیف و نقد مشخصات ظاهری کتاب در پیش گرفته شده بخش‌های مختلف کتاب تشریح، و مهمترین محورهای ضعف ترجمه از جمله اغلاط املائی، ترجمه ماشینی، تلفظ ناصحیح اعلام، معادل‌گذاری نادرست، اشکالات نگارشی، ناسلیس بودن، نایکدستی در به‌کارگیری واژگان و موارد دیگر بررسی شده است. پس از آن، با استعانت از چارچوب تحلیل رتوریک اسپر (۱۹۹۳)، تلاش شده تا با استخراج گزاره‌هایی از متن کتاب که آشکارا جنبه رتوریک دارند تا علمی، به تحلیل وجوه خطابی روش آمیخته پرداخته و رتوریک‌های به‌کار رفته در آن، دسته‌بندی شود و با تکیه بر آراء برخی اندیشمندان دیگر، اصالت آن به عنوان یک روش مستقل مورد نقد و نظر قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: چارچوب آمیخته، جان کرسول، وجوه خطابی روش، تحلیل رتوریک، روش‌شناسی پژوهش.

* استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، m_shaghghi@sbu.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۱۸

۱. مقدمه

آنچه به «روش» پژوهش آمیخته تداول یافته و این مقاله در نقد و رد آن تلاش خواهد کرد، سه طرح کاملاً مشخص و معروف دارد که کرسول (John W. Creswell)، پلانوکلاک (Vicki L. Plano Clark)، تشکری (Abbas Tashakori) و تدلی (Charles Teddlie) در مقالات و کتب بسیارشان، متمرکز به آن بوده‌اند: طرح‌های ترکیبی همزمان، ترکیبی تبیینی، و ترکیبی اکتشافی. در طرح‌های ترکیبی همزمان، داده‌ها یا برای تبیین یک یافته در کنار هم و در مقایسه با هم می‌آیند و یا برای آن یافته به هم تبدیل می‌شوند. در طرح ترکیبی تبیینی، پژوهشی کمی درباره اثرات یا روابط چند عامل (متغیر) انجام می‌شود و سپس برای تشریح بیشتر روابط و اثرات آن عامل‌ها کار کیفی انجام می‌شود. این طرح را می‌توان ایدئال‌ترین چارچوب برای تحقق بخشیدن به رئالیسم انتقادی روی باسکار (Roy Bhaskar's Critical Realism) در انجام پژوهش‌های اجتماعی دانست زیرا پس از تبیین علت‌های پیش‌بینی شده در یک مدل قیاسی و اثبات یا رد روابط بین آنها، با یک کار کیفی به یافتن عوامل ایجادکننده آن عامل‌ها می‌توان پرداخت. در طرح‌های تبیینی اکتشافی که بهترین طرح دانسته شده است، پژوهشی کیفی برای کشف روابط و عوامل انجام می‌شود و سپس آن روابط و عوامل در جامعه‌ای گسترده‌تر به روش کمی آزموده می‌شود (تشکری و تدلی، ۲۰۰۳؛ کرسول، ۲۰۰۳). این سه طرح با تقسیم‌بندی‌های جزئی داخل آنها، جوهره این چارچوب است و بعدها علاقه‌مندان این چارچوب، طرح‌های دیگری به نام «طرح‌های پیشرفته» ارائه کردند که عبارت بود از طرح‌های مداخله‌ای، عدالت اجتماعی و فمینیستی. در طرح‌های مداخله‌ای قبل و بعد از پیش‌آزمون و پس‌آزمون یک روش درمان یا کاربرد یک ابزار و غیره، مصاحبه‌های کیفی با تکیه بر روش‌ها و منظرهای مختلف با کنشگران انجام می‌شود. در طرح‌های عدالت اجتماعی و فمینیستی نیز تعریف مسئله و کار کمی و کیفی پژوهش با جهت‌گیری نقدهای مارکسیستی و نئومارکسیستی، پسااستعماری، فمینیستی و غیره انجام می‌شود (کرسول، ۱۳۹۵). اما اگر به آثار نگاشته شده به فارسی و انگلیسی با عنوان «روش‌های پژوهش آمیخته» (شورینی، ۱۳۹۱) یا «روش تحقیق آمیخته» (دلاور و کوشکی، ۱۳۹۲) یا «طرح پژوهش: رویکردهای کمی، کیفی و ترکیبی» (کرسول، ۱۳۹۲) نگاه کنید، مشاهده می‌کنید که محتوای قسمت اعظم این کتاب‌ها در کتب و جزوات روش تحقیق به کرات گفته شده است و بخش کوچکی از این کتاب‌ها (یک فصل) به ترکیب روش‌های کمی و کیفی با طرح‌های فوق‌الذکر اختصاص دارد. مثلاً در کتاب کرسول (۱۳۹۲)، فصل

دهم اين کتاب با عنوان «شيوه‌های روش ترکیبی» به طرح‌های ترکیب پرداخته است و مابقی تکرار مقدمات پژوهش و معرفی روش‌های کمی و کیفی و ارائه یک رویه خطابی (Rhetoric) است برای اینکه چطور ترکیبی بودن روش پژوهش را از ابتدا توجیه کنیم و در عنوان، بیان مسئله، پرسش‌ها، روش‌شناسی و غیره بگنجانیم و تأکید کنیم. با مطالعه‌ای که از مدت‌ها پیش روی این نوع آثار شده بود، این فرضیه استحکام یافت که آنچه به عنوان «روش» پژوهش آميخته مطرح شده است در واقع روش نیست بلکه چارچوبی است که چگونگی به‌کارگیری روش‌های کمی و کیفی در کنار هم را توضیح می‌دهد؛ ضمن آنکه پیشروان این چارچوب برای جا انداختن آن به خطابه‌گری متوسل شده‌اند و سعی کرده‌اند با اضافه کردن مباحثی حاشیه‌ای (غیر از آنچه به هسته اصلی این چارچوب مربوط است)، استفاده ابزاری از پراگماتیسم فلسفی و روشی، و تأکیدات فراوان در اشاره مستقیم به این چارچوب در بیان مسئله، روش، پرسش‌ها و ...، آن را تبدیل به یک گفتمان رقیب در قلمرو روش‌شناسی نمایند. نوشته حاضر قصد دارد به همراه معرفی «درآمدي بر پژوهش روش‌های آميخته» از جان کرسول ترجمه مرتضی اکبری و راضیه اکبری و نقد مشکلات ترجمه‌ای و نگارشی آن، به جنبه‌های خطابی این چارچوب - که خود را یک روش معرفی می‌کند - پردازد. سعی شده است جملات با بار خطابی از قسمت‌های مهم کتاب استخراج و تحلیل شود و نتایج تحلیل، نقطه عزیمتی گردد برای پرداختن به پیش‌فرض‌های فکری این چارچوب.

مقاله حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به چهار پرسش است: ۱. کتاب در مجموع حاوی چه محتوایی است و جایگاه آن در میان آثار مشابه چیست؟ ۲. چه نقدهایی به ظواهر و ترجمه کتاب وارد است؟ ۳. چه نقدهایی به محتوای کتاب وارد است؟ ۴. کتاب از چه تکنیک‌های بلاغی برای قانع‌کننده جلوه دادن خود سود برده است؟

۲. روش

پژوهش حاضر به روش تحلیل مفهومی و تحلیل رتوریک انجام گرفته است. تحلیل مفهومی بیشتر مورد استفاده رشته‌های فلسفه و الهیات، متافیزیک، اخلاق و حوزه‌هایی اینچنین است و از نظر فالیس (Don Fallis) (۲۰۰۹) ظاهراً به افلاطون برمی‌گردد. افلاطون در رساله جمهوری برای ارائه تعریف درباره «دانش» یا «شناخت»، از این روش بهره برد و ابتدا شناخت را به اجزای سازنده‌اش شکست و سپس سعی کرد همه مصادیق شناخت را

ذیل آن جای دهد تا به تعریف «باور صادق موجه» برسد. پس هر جا دسته‌بندی مقولات و مصادیق اتفاق بیفتد، نوعی تحلیل مفهومی نیز اتفاق افتاده است. در مقاله حاضر از تحلیل مفهومی در معنای عام آن استفاده شده و هدف، جداسازی و دسته‌بندی نقدهای وارد به اثر و تخصیص مفاهیم به هر یک از دسته‌ها بوده است و سعی شده ضعف‌های ترجمه اثر در دست نقد مقوله‌بندی شود و ذیل هر مقوله، مصادیقی ذکر گردد. علاوه بر این روش، از تحلیل رتوریک نیز استفاده شده است. رتوریک یا خطابه از دیرباز به عنوان «فن اقناع» شناخته می‌شده و روشی برای گیرا کردن و قانع‌کننده ساختن کلام بوده است که توسط سوفیست‌ها آموخته می‌شد. افلاطون دو نکته کلیدی در باب رتوریک داشت: اول اینکه رتوریک چیزی متفاوت از حقیقت است زیرا آنچه در جهان زیسته افراد موجود است متفاوت از جهان ایده‌های اوست. جهان ایده‌های فرد حقیقت و جهان زیسته افراد رتوریک است. دوم اینکه رتوریک آموزش دادنی نیست زیرا وی قائل به رتوریک خوب و رتوریک بد بود و رتوریک بد را اساساً دانش خطابی نمی‌دانست و فریب تلقی می‌کرد و اما درک یا استفاده از رتوریک خوب را نیز به فضائل فرد منوط می‌دانست که باز آن را غیرقابل آموزش می‌کرد (لیچ (Joan Leach)، ۲۰۰۰).

اما تحلیل رتوریک از زمانی مجدداً در قرن بیستم مورد توجه قرار گرفت که اندیشمندان انتقادی علوم انسانی مثل نئومارکسیست‌های علاقه‌مند به تحلیل گفتمان، نشان دادند که چگونه سه قرن است که علم مدرن عاری از رتوریک و پیراسته و مهذب از خطابه دانسته شده است در حالیکه اصلاً چنین نیست. فرانسیس بیکن (Francis Bacon) شاگردان خود را تشویق می‌کرد که دست از خواندن کتاب‌ها بردارند و در طبیعت و جهان بیرون واقعیت‌ها را جمع‌آوری کنند. تأسیس انجمن سلطنتی انگلستان توسط بیکن، گره خورده با این شعار او بود که «هیچ چیز در کلمات نیست» (لیچ، ۲۰۰۰) و علم مدرن برای علم بودن باید از استعاره و تشبیه و لطائف نثری و غیره اجتناب کند. اما پژوهش‌های زیادی از جمله پژوهش جانسون (Richard David Johnson) (۱۹۹۵) نشان داده‌اند که چگونه حتی علمی چون فیزیک مدرن که خود را عاری از هر نوع وجه خطابی و ادبی و نیز اثرات اجتماعی در تطور و پیشرفت خود می‌دانند، سیر تطور خود را مدیون فنون خطابی‌اش چون استعاره، تشبیه و مجاز بوده‌اند. برخورد نیچه (۱۳۷۳) با علم، رادیکال‌تر از این نوع تحلیل‌هاست و او حتی تمام عقلانیت مدرن را ناشی از به‌کارگیری همانگویانه کلماتی می‌داند که برخاسته از تحریک عصبی ناشی از مشاهده شیء، تصویر شدن شیء در ذهن، و نامگذاری آن بر

حسب یکی از ابعاد قابل توجه آن (و فراموش کردن سایر ابعاد آن شیء) است. او مار را مثال می‌زند که در نام‌گذاری اولیه آن در زبان آلمانی (Schlange)، فقط خزندگی آن (Schelingen) دیده شده و سایر جنبه‌های آن در همان نامگذاری نخستین فراموش شده است و این بیان استعاری، روی کل فهم بشر از این موجود اثر گذاشته است. کلمه خرگوش در زبان فارسی همین جایگاه را دارد. به نظر می‌رسد چرخ زبانشناختی به علم به‌ویژه نوع انتقادی آن، بسیار الهام گرفته از نیچه باشد.

تحلیل رتوریک، به دنبال تحلیل جملات و عباراتی در متن است که دارای نقش اقناعی هستند تا نقش استدلالی. پیش‌فرض این تحلیل نیز آن است که گوینده سخن یا نویسنده متن آگاهانه به دنبال چینش خاصی از کلمات و استفاده از استعاره و تشبیه و مجاز و غیره برای اثرگذاری اقناعی روی افراد نیست بلکه قالب‌های سخن اقناعی، به‌طور طبیعی و در قالب گفتمان در یک قلمرو سخن‌گویی خاص (مثل رشته‌های علمی) رسوب کرده‌اند.

پیدا کردن عینی این نقش‌ها همواره در تحلیل رتوریک یک چالش بوده است اما در پژوهش حاضر ما برای عینی کردن تحلیل، دو معیار به‌کار برده‌ایم: ۱. نقش‌های رتوریک جملات را بر اساس منابع کلاسیک فنون بلاغت (استعاره، تشبیه، تأکید، تکرار و ...) آورده‌ایم (برای مثال: همایی، ۱۳۸۹)؛ ۲. از الگوی تحلیل رتوریک دیوید اسپر (David Spurr) استفاده شد که شامل ۱۲ جزء است (کوثری و احمدزاده، ۱۳۹۳؛ اسپر، ۱۹۹۳). این ۱۲ جزء در تحلیل‌های پسااستعماری استفاده شده است اما در اینجا چارچوب تحلیل، پسااستعماری نیست بلکه در اینجا از این ۱۲ جزء به نحو خاص استفاده شده و هدف، نشان دادن این است که ابژه پژوهش (در اینجا: «روش» (methodology)) چگونه بازنمایی شده است: ۱. پایش (مؤلف چگونه نظارتش بر روش خود را اعمال می‌کند) ۲. احراز مالکیت و تخصیص (مؤلف چگونه روش را از آن خود می‌کند) ۳. زیبایی‌شناسانه کردن (مؤلف چطور روش را زیبا جلوه می‌دهد) ۴. طبقه‌بندی (مؤلف چطور با طبقه‌بندی‌ها خاص، روش خود را در جایگاه برتر می‌نشانند) ۵. بنیان‌زدایی (مؤلف چطور از روش‌های دیگر برای برتری بخشی به روش خود بنیان‌زدایی می‌کند) ۶. نفی (مؤلف چطور ناسازواری‌های روش خود را نفی می‌کند) ۷. تصدیق (مؤلف چطور سایر مؤلفه‌های تأییدگر روش خود را تأیید می‌کند) ۸. آرمانی کردن (مؤلف چطور روش خود را آرمانی و ایدئال جلوه می‌دهد) ۹. وهم‌نمایی (مؤلف چطور روش خود را از جسمیت خارج و روحانی و غیرمادی می‌کند) ۱۰. طبیعی‌سازی (مؤلف چگونه امور غیرطبیعی را طبیعی جلوه

می‌دهد) ۱۱. اروتیک‌سازی (مولف چطور از مولفه‌های عاشقانه در تشبیه یا استعاره برای تأیید روش بهره می‌برد) ۱۲. مقاومت (مولف چطور در برابر انتقادات به روش خود مقاومت می‌کند).

۳. معرفی

کتاب «درآمدی بر روش تحقیق آمیخته» کتابی است در ۱۵۶ صفحه که توسط مرتضی اکبری و راضیه اکبری ترجمه شده و در ۱۰۰ نسخه با چاپ دیجیتال توسط نشر روان‌شناسان (با همکاری نشر جامعه‌شناسان) چاپ شده است. در سال ۱۳۹۲ نیز کتابی با عنوان «بازکاوی روش تحقیق آمیخته» توسط چهار مؤلف یعنی سیدمصطفی رضوی، مرتضی اکبری، مرتضی جعفرزاده و محمدرضا زالی منتشر شده بود و این اثر، دومین کار مترجم کتاب در دست نقد در حوزه چارچوب آمیخته محسوب می‌شود. کتاب‌های زیادی در خصوص این چارچوب روشی منتشر شده که می‌توان آنها را در دو دسته کلی گنجاند: ۱. کتاب‌هایی که با عنوان «روش پژوهش آمیخته» منتشر شده‌اند اما در آنها اصول پژوهش و روش‌های کمی و کیفی توضیح داده شده و یک بخش به آمیختن روش‌ها اختصاص یافته است (نگاه کنید به: تشکری و تدلی، ۱۳۹۵؛ خلیلی شورینی، ۱۳۹۱؛ و دلاور، ۱۳۹۴). ۲. کتاب‌هایی که با عنوان «روش تحقیق در... [رشته‌های مختلف]» منتشر شده‌اند و در عنوان فرعی آنها عبارت «کمی، کیفی و آمیخته» به چشم می‌خورد (نگاه کنید به: شپریس و یانگ، ۱۳۹۵؛ جانسون و کریستنسن، ۱۳۹۱).

البته کتابی نیز با عنوان «مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته» توسط عباس بازرگان هرنندی منتشر شده که جالب توجه است. کتاب در دست نقد، با همه این سه نوع کتاب فرق دارد: این کتاب بنا به اعتراف مؤلف در مقدمه، مخصوص شرکت‌کنندگان در کارگاه‌های پژوهش آمیخته که توسط کرسول برگزار می‌شود نوشته شده و به نحوه نگارش صوری پژوهش‌ها با این روش تکیه کرده است و روش‌های تحقیق کمی و کیفی در آن معرفی نشده است. در مجموع به نظر می‌رسد کتاب‌هایی که با عنوان روش پژوهش در رشته‌ای خاص منتشر شده‌اند و در عنوان فرعی به کمی، کیفی و آمیخته اشاره کرده‌اند، عنوان صادقانه‌ای برگزیده‌اند زیرا قسمت اعظم کتاب‌هایی که با عنوان روش آمیخته چاپ شده‌اند به مقدمات پژوهش و روش‌های کمی و کیفی پرداخته‌اند.

کاغذ جلد کتاب مقوای ۲۵۰ گرمی با سلفون مات است که این سلفون متأسفانه از گوشه‌ها بلند می‌شود. ظاهراً از کاغذ ۷۰ گرمی اندونزی برای چاپ استفاده شده و قطع کتاب رقیعی است. آشکال آماده و نامتناسبی که مثل آشکال آماده نرم‌افزار وُرد روی جلد کتاب کار شده (شکل لامپ، علامت اینترنت (@) و ...) نشان از شتاب برای انتشار دارد. از حسب گرم برای صحافی استفاده شده اما عطف کتاب مستحکم نیست و خط تا نیز ندارد. نکته‌ی جالب دیگر آن است که فیای کتاب برای انتشارات روش‌شناسان است و کتاب قانوناً متعلق به این ناشر است ولی در پشت جلد و عطف کتاب فقط آرم انتشارات جامعه‌شناسان به چشم می‌خورد که البته ممکن است این دو ناشر در واقع یک ناشر باشند!

۴. تشریح اثر

کتاب به‌جز مقدمه دارای ۱۰ فصل است. در ابتدای فهرست مطالب و قبل از مقدمه شماره صفحه فهرست مطالب (یعنی همان صفحه‌ای که این شماره صفحه آمده) ذکر شده است! همچنین، دو تیتیر دیگر هم در ادامه آمده: ۱. فهرست شکل‌ها و نمودارها و ۲. فهرست جدول‌ها. چند صفحه بعدتر که به فهرست‌ها برمی‌خوریم، متوجه می‌شویم که فقط نوشته شده فهرست جدول‌ها و نمودارها و از آن دو خبری نیست.

کتاب دارای منابع و مآخذ، نمایه و واژه‌نامه است اما صفحه‌عنوان انگلیسی ندارد. در فصل اول به اهداف، فصول و مخاطبان کتاب اشاره شده و این‌طور ترجمه شده: «این مقدمه مختصر به پژوهش روش‌های آمیخته به سمت محققان مبتدی و یا محققان پیشرفته در روش‌های آمیخته است که نیاز به یک یادآوری سریع روش‌های آمیخته دارند». فصل دوم به خصوصیات چارچوب آمیخته و اینکه این چارچوب چه هست و چه نیست پرداخته است. مثلاً ترجمه شده: «یک رویکرد به پژوهش در علوم اجتماعی، رفتاری و سلامت است که بر این اساس، محقق هر دو نوع داده‌های کمی (بسته) و کیفی (باز) را جمع‌آوری کرده و ادغام می‌نماید و سپس برای درک سوالات پژوهش، بر اساس نقاط قوت ترکیبی داده‌ها، تفاسیری ارائه می‌کند».

فصل سوم به مراحل طراحی پژوهش با این چارچوب اختصاص یافته است. اینکه اهداف و پرسش‌ها را چگونه با توجه به این چارچوب بنویسیم و چگونه فلسفه‌ای را به این روش منتسب کنیم و چگونه از آشکال و نمودارها برای نمای بهتر پژوهش استفاده کنیم. فصل چهارم به برشمردن انواع روش‌های تحقیق کیفی و انواع روش‌های تحلیل آماری که

برای کار در چارچوب آمیخته نیاز است پرداخته و از گراند تئوری، پدیدارشناسی، نرم‌افزار مکس کیودا، تحلیل واریانس، تحلیل کوواریانس، مطالعات همبستگی و .. نام برده است. در فصل چهارم، طرح‌های پایه و پیشرفته چارچوب آمیخته برشمرده شده و از طرح همگرا، طرح متوالی تبیینی و طرح متوالی اکتشافی و همچنین طرح مداخله‌ای، طرح عدالت اجتماعی و طرح چندمرحله‌ای بسیار کوتاه سخن به میان آمده است. در فصل ۵ مجدداً به چگونگی ترسیم نمودار رویه‌ها تمرکز شده و انواع شکل‌ها و جدول‌هایی که برای خوش‌نما شدن پژوهش با این چارچوب به کار می‌آید معرفی شده است. فصل ششم کتاب به تکرار فصل دوم البته با اندکی جزئیات بیشتر پرداخته و نمونه‌هایی از بیان هدف و پرسش‌ها در چارچوب آمیخته را ذکر کرده است. در فصل هفتم، مسائل نمونه‌گیری و ادغام ذکر شده و گفته شده که در هر یک از طرح‌های پایه، نمونه‌گیری کمی و کیفی معمولاً به چه صورت انجام می‌شود. انواع ادغام داده‌ها که در این فصل بحث شده، تکرار مباحث فصل چهارم است.

فصل هشت به رتوریک نگارش پژوهش در چارچوب آمیخته پرداخته و پس از بحث درباره انتخاب مجله و نحوه نگارش عنوان و غیره، چارچوب‌های همگرا، تبیینی و اکتشافی دوباره با تأکید بر ساختار و نگارش تکرار شده است. فصل نهم به ارزشیابی کیفیت مطالعه روش‌های آمیخته پرداخته اما به جای ارائه روش‌های ارزشیابی، منبعی با عنوانی که اینطور ترجمه شده، معرفی شده است: «کتاب راهنمای مبتنی بر کاربر ارزشیابی پروژه ۲۰۰۲». همچنین، در این فصل به این توجه شده که سردبیران مجلات به چه نکاتی در مقالات با چارچوب آمیخته توجه می‌کنند و توصیه‌هایی رتوریک برای برآوردن خواسته‌های آنها ارائه شده است. عنوان فصل دهم «توسعه و پیشرفت روش‌های آمیخته است» اما در واقع مباحث قبلی جمع‌بندی و تکرار شده است. مثلاً تیتروایی چون ارزش روش‌های آمیخته، ویژگی‌های اصلی، کاربرد فلسفه یا تئوری، سؤالات پژوهش روش‌های آمیخته و غیره.

۵. محورهای نقد ترجمه

در ذیل، ضعف‌های ترجمه این کتاب مقوله‌بندی شده و از هر مقوله مثال‌هایی ذکر شده است اما مهمترین مشکل کتاب ترجمه‌ای حاضر، «ترجمه ماشینی» است. جملات به همان ترتیبی که در متن انگلیسی آمده به فارسی ترجمه شده و اگر به جای کلمات فارسی، معادل انگلیسی‌اش را بگذارید می‌توانید به جمله انگلیسی دست پیدا کنید. نحو انگلیسی در

جملات فارسی آشکار است و این خواننده را نسبت به خواندن این کتاب بی‌میل می‌کند. عنوان کتاب یعنی «مقدمه‌ای بر پژوهش روش‌های آمیخته» (A concise introduction to mixed methods research) گویای ترجمه ماشینی است زیرا «پژوهش روش‌های آمیخته» دو پهلو است: پژوهش درباره روش‌های آمیخته یا پژوهش با روش‌های آمیخته. در ضمن، اشتباه رایجی در میان علما در جریان است و آن کلیشه «مقدمه‌ای بر» است که ناصحیح است و «مقدمه‌ای به» صحیح است. به نظر می‌رسد عنوان صحیح کتاب، با رعایت ملاحظات تجاری و حذف کلمه «خلاصه»، این باشد: «مقدمه‌ای به پژوهش با روش‌های آمیخته». ضعف‌های ترجمه‌ای این کتاب دارای مقولات ذیل است:

الف. ترجمه ماشینی. مثال: «استانداردهای ادغام‌شده در گزارش کارآزمایی‌ها» (ص ۲۴)، «یک دیدار فرضی برای یادگیری طرح روش‌های آمیخته» (ص ۳۱)، «در نظر گرفتن وجود یک بحث جهان‌بینی و یک بحث تئوری» (ص ۳۲)، «یک سؤال روش‌های آمیخته را توسعه دهید» (ص ۵۶)، «علاوه بر این، یک ستون آخر جدول در مورد تفاوت‌ها و شباهت‌های بین زمینه‌ها و نتایج آماری بحث می‌کند» (ص ۱۰۶)، «ساختی به سوی یک ابزار کمی یا یک نمایش سنجش» (a building into a quantitative or measure display) (ص ۱۰۷)، «این کتاب را به ایزابل بیکت مارشال تقدیم می‌نمایم، کسی که مرا به عنوان بچه بزرگ کرد» (صفحه تقدیم کتاب)، و غیره

ب. اغلاط املائی. مثال: سپاسگذاری (فهرست مطالب، ص ۱۷) (سپاسگزاری صحیح است)، ارئه (ص ۱۶)، مقایسه پهلو به پلو (ص ۵۷)، ایده‌ال (ص ۹۲، ۹۹) (ایدئال صحیح است)، آژانش‌ها (ص ۱۲۱) و غیره.

ج. معادل‌گذاری نادرست: مثال: کارآزمایی trial (سراسر کتاب) (تجربه صحیح است)، پاکسازی پایگاه داده‌ها (ص ۲۵)، تمیز کردن پایگاه داده‌ها (ص ۷۹) (غربالگری پایگاه داده‌ها صحیح است)، «مقیاس‌های انتها‌بسته» (ص ۴۹) (سؤالات بسته صحیح است)، بهترین تمرین‌ها (سراسر کتاب) (بهترین اقدامات صحیح است)، «به شکل‌گیری گفتمان بین اعضا کمک می‌کند» (ص ۴۷) (گفتگو صحیح است)، «گمارش تصادفی» (ص ۶۷) (انتخاب تصادفی صحیح است)، «مجله ادواری (Circulation)» (ص ۱۱۰) (منظور مجله Circulation است) و غیره.

د. ترجمه‌های ناصحیح. مثال: «مورد کلاسیک روش‌های آمیخته، مقاله ... بود که با سؤال از ۱۹ محقق مختلف تعریف کاری آنها، تلاش کردند تا تعریف واحدی از روش‌های

آمیخته ارائه دهند» (ص ۱۲۴)، «مبتنی بر ترجیح افراد برای اعداد است» (ص ۲۶)، «این سند، مدل کمبود علوم اجتماعی جهت نگارش مقدمه پژوهش نام گرفته است» (ص ۸۴)، «کمی منتج به کیفی برای تبیین نتایج کمی می‌شود» (ص ۴۰)، «زمانی که محققان، به‌عنوان مثال، داده‌های کیفی را گردآوری کردند، اغلب با یک جهان‌بینی برساخت‌گرایانه از درک مفاهیم چندگانه مرتبط بود» (ص ۳۷)، «پایگاه داده‌های متنی رونوشت‌شده برای کدگذاری آسان» (ص ۸۰) و غیره.

ه) تلفظ‌های ناصحیح. مثال: فالبرایت (ص ۱۸) (فولبرایت صحیح است)، استانگ (ص ۱۱۴) (اشتانگ صحیح است)، فارکوهر (ص ۱۳۵) (فارکوآر صحیح است) و غیره.

و) مشکلات نگارشی و رسم‌الخطی. مثال: «چه معیارها اعمال می‌شوند» (فهرست، ص. ۱۳)، «با نگاهی با فهرست بالا» (ص. ۳۶)، «بیانیه بیانیه کانسورت» (ص. ۴۹)، «زمانی که محققان داده‌ها در مورد ابزار را گردآوری کردند، منعکس‌کننده یک دیدگاه ساده‌سازی مرتبط با پسائبات‌گرایی است» (ص. ۳۷)، «در نظر گرفتن نگاه‌های تئوری برای استفاده در بسیاری از فازهای طرح» (ص. ۶۵) و غیره.

ز) نایکدستی در به‌کارگیری اصطلاحات. مثال: کلمه نظریه که بعضاً کلمه تئوری به‌کار رفته (سراسر کتاب)، نظریه ناتوانی (ص. ۲۱) که در صفحه ۳۹ تئوری معلولیت به‌کار رفته، کلمه نمودار که بعضاً کلمه دیاگرام به‌کار رفته (سراسر کتاب) و غیره.

ح) پانویس نشدن اسامی خارجی و اصطلاحات تخصصی و نبود پانویس‌های توضیحی. مثال: انتشارات سیج (ص. ۱۷)، نبرسکا-لینکلن (ص. ۴۶) (که البته نبرسکا-لینکلن صحیح است)، پژوهش تئوری برخاسته از داده‌ها (ص. ۳۸) (که ناصحیح ترجمه شده است!)، اعطای کمک مالی k ، اعطای کمک مالی R (ص. ۱۲۹) و غیره.

ط) نقص در عنوان نمودارها. مثال: «یک طرح روش‌های آمیخته همگرا برای» (ص. ۷۸)، «شکل (۵-۴). یک طر روش‌های آمیخته متوالی تبیینی برای» (ص. ۷۹)

ی) نقطه‌گذاری ناصحیح. مثال: تشدید اضافی روی برخی کلمات (سراسر کتاب)، «روش‌های نمونه‌گیری طرح‌های پیشرفته، روش‌های طرح مقدماتی را ادامه خواهند داد؛ زیرا، این طرح‌های مقدماتی محور طرح‌های پیشرفته هستند» (ص. ۱۰۲)، «... این امکان وجود دارد که محقق داده‌های کیفی را پس از مرحله آزمایشی گردآوری کند و پس از جمع‌بندی، نتایج را؛ ابتدا دستاوردهای آزمایشی و سپس نتایج تعیقی کیفی گزارش دهد» (این جمله علاوه بر مشکل نقطه‌گذاری، مشکل ترجمه‌ای و نگارشی نیز دارد).

ک) به هم‌ریختگی جدول. مثال: یک سطر از جدول ص. ۱۲۸ به ص. ۱۲۹ پریده است. ترجمه ماشینی این کتاب به قدری نمود دارد که نیاز نیست به متن اصلی مراجعه کنید و اگر بخش‌هایی از متن پشت جلد کتاب را بخوانید، کفایت می‌کند. برخی وجوه کار ترجمه کاملاً جدا از پژوهش علمی است و فن، دانش و مهارت خاص خود را می‌طلبد و آشنایی با زبان مبدأ و مقصد لازمه آن است.

۶. محوره‌های نقد محتوا

قبل از ورود به نقد محتوای کتاب، تصور نادرستی که درباره «روش» بودن این چارچوب جا افتاده است باید نقد شود. همانطور که کرسول و پلانوکلاک در دایره‌المعارف پژوهش با چارچوب آمیخته (۲۰۰۷، ص. ۵) گفته‌اند، «پژوهش با روش‌های آمیخته، یک طرح پژوهش با پیش‌فرض‌های فلسفی است...». تغییر لحن این چارچوب به یک روش‌شناسی مستقل بعداً اتفاق افتاد. بدین ترتیب، محقق‌هایی که با این چارچوب پژوهش می‌کنند لازم نیست روش جدیدی آموخته باشد، بلکه باید شیوه آمیختن خروجی پژوهش به روش‌هایی که قبلاً آموخته را تقلید کند و نسبت به آن پیش‌آگاهی داشته باشد. همانطور که قبلاً ذکر شد، بخش اعظم همه کتاب‌هایی که به فارسی و انگلیسی تحت عنوان «روش آمیخته» منتشر شده‌اند، به بازگویی مقدمات و اصول روش‌های پژوهش کمی و کیفی پرداخته‌اند و تنها یک فصل به چگونگی آمیختن آنها اختصاص داده‌اند. بنابراین، استفاده از لفظ «روش» برای آن صحیح نیست زیرا روش‌ها زاویه دید، پیش‌فرض‌ها، منشأها و گام‌های خاص خود را برای گردآوری و تحلیل متون و داده‌ها دارند که باعث می‌شود آنها در یک پارادایم خاص قرار گیرند و بی‌وطن نباشند.

نکته مخاطره‌آمیز دیگر در مورد این چارچوب، ادغام پارادایم‌ها و مستهلک کردن زاویه دیدهاست. پژوهش کمی که بر اساس اصل استقرای بنیان نهاده شده، به دنبال کشف قواعد جهان‌شمول است و پژوهش کیفی که بر اساس اصل تفسیر پایه‌گذاری شده به دنبال کشف فهم (عموماً تاریخی) از یک موقعیت خاص است. تعمیم‌پذیر کردن فهم‌های موقعیت‌مند (چارچوب اکتشافی) و یا پیدا کردن فهم موقعیت‌مند از یک قاعده مکشوفه (چارچوب تبیینی) چیزی جز تلاش مجدد برای کشف قاعده از رفتارهای انسانی به نظر نمی‌رسد و این در حالیست که پیروان پارادایم اصالت تاریخ (محققان پژوهش کیفی) اساساً کشف

قاعده از رفتارهای انسانی را متنفی می‌داند. وارد کردن مجدد روش‌های آنها به بازی کشف قاعده، ترفند جدیدی به نفع پارادایم اصالت طبیعت به نظر می‌رسد.

از سوی دیگر، پایه‌گذاران چارچوب ترکیبی خود را ملتزم به فلسفه عمل‌گرایی می‌دانند و خود اعتراف می‌کنند که «عمل‌گرایی به هیچ نظام فلسفی و واقعیتی متعهد نیست» (کرسول، ۱۳۹۲، ص ۴۶) در حالیکه عمل‌گرایی خود یک نظام فلسفی است؛ نظامی فلسفی که بیشتر متأثر از یک نظریه اخلاق هنجاری است تا پیش‌فرض‌های فلسفی. این نظریه اخلاقی همان «نتیجه‌گرایی اخلاقی» است که صورت عملی آن «سودگرایی» است. کرسول (۱۳۹۲) در بیان پیش‌فرض‌های فلسفی چارچوب ترکیبی می‌گوید «عمل‌گرایی به‌عنوان یک جهان‌بینی حاصل اعمال، موقعیت‌ها، و پیامدهاست» (ص ۴۶). لذا از وجه سودگرایانه فلسفه عمل‌گرایی در چارچوب ترکیبی استفاده شده است و از بهره‌گیری از تمامی استلزامات این فلسفه که در آثار دیویی، مید، پیرس، رورتی و مورفی بازمانده است. استفاده ابزاری و کوتاه‌برد از فلسفه عمل‌گرایی و تأکید به عدم التزام به هیچ مکتب و روش و فلسفه‌ای، این چارچوب را تبدیل به یک عرصه باز برای به‌کارگیری هر وسیله و روشی حسب اقتضاء و موقعیت نموده است. به نظر می‌رسد چنین عرصه فراخی نیاز به هیچ چارچوب‌بندی مستقل ندارد زیرا موقعیت است که به ما خواهد گفت که از چه روش‌هایی استفاده کنیم. بنابراین، نمی‌توان این چارچوب را مستقل دانست زیرا روش مستقل، وابسته به پیش‌فرض‌هاست اما استفاده موقعیت‌مند از هر روشی، وابسته به پیامدها و موقعیت‌هاست.

نکته با اهمیت دیگر، خطرناک بودن کشیدن خط جداساز میان داده کمی و داده کیفی است. این جداسازی در تعاریف همه پیشروان این چارچوب (مثل جانسون (Jonson) و اون‌وگ‌بوزی (Onwuegbuzie) (۲۰۰۴)، تشکری و تدلی (۲۰۰۳)، و کرسول و پلانوکلاک (۲۰۰۷) کاملاً واضح است و آنها چارچوب آمیخته را ترکیب روش کمی و کیفی می‌دانند (نه دو یا چند روش کمی و یا دو یا چند روش کیفی با هم). این در حالی است که بسیاری از محققان برجسته (مثل بوردیو (Pierre Bourdieu) در «تمایز» (Distinction: A Social Critique of the Judgment of Taste)، یا پارسونز در «ساختار کنش اجتماعی» (The Structure of Social Action) بدون به‌کار بردن یک قالب پیش‌ساخته، در آثار فاخر خود داده‌های کمی و کیفی را بسیار مستدل استفاده کرده و در تبیین نظریه یا نتایج خود به‌کار برده‌اند. آنها این دو نوع داده را در چارچوب یک روش واحد مثل روش تاریخی یا سندی (در مورد

کار مارکس در گروندریسه یا پارسونز در ساختار کنش اجتماعی) به کار برده‌اند بدون اینکه بخواهند روش مستقلی ابداع نمایند. بنابراین، ترکیب داده‌های کمی و کیفی در چارچوب هر روشی می‌تواند اتفاق بیفتد و فقط می‌توان الگوهای برای ترکیب ارائه داد مثل الگوهای که برای مرور نظام‌مند وجود دارند (مثلاً تاکنون ۱۴ الگو برای مرور نظام‌مند پیشنهاد شده است (گرنث (Maria J. Grant) و بوت (Andrew Booth)، ۲۰۰۹)). این الگوهای ترکیب، روش نمی‌توانند باشند بلکه می‌بایست در راستای یک روش واحد به کار برده شوند.

نکته نهایی که باید در باره آثار نوشته‌شده درباره چارچوب آمیخته از جمله کتاب حاضر گفت آن است که آنها (یا بخش‌هایی از این نوع کتاب‌ها) که خاصه به این چارچوب پرداخته‌اند، مشحون از عبارات و جملاتی هستند که به جای بار استدلالی، دارای بار خطابی یا رتوریک هستند و بیشتر تلاش دارند تا صورت و ظاهر نگارش با این چارچوب را آموزش دهند. برای مثال تلاش دارند بگویند عنوان مقاله را چگونه بنویسید، چگونه عبارت «روش آمیخته» را در بیان اهداف و در پرسش‌ها بگنجانید، چگونه نمودارها برای اقناع استفاده کنید، چگونه مجله مناسب انتخاب کنید، چگونه برای قانع کردن سردبیر، استناددهی کنید و غیره. بخش کوچکی از وجهه خطابی این روش در تحقیقات آشکار شده است برای مثال رحیم‌پور و همکاران (Rahimpour, S.; Sotoudehnama, E. & Dabir-) (Moghadam, M. ۲۰۱۶) نشان دادند که مقالات مورد بررسی‌شان که به روش آمیخته نگاشته شده بودند، آشکارا به پیروی از یک قالب آماده گرایش داشته‌اند. در اینجا قصد بر این است که با کمک چارچوب تحلیل رتوریک اسپر (۱۹۹۳)، بخش‌های بیشتری از وجوه خطابی این چارچوب را آشکار شود. در جدول ۱، برخی جملات مهم از متن کتاب که دارای بار رتوریک هستند شناسایی شده و نوع وجهه خطابی به کار رفته بر اساس بلاغت‌شناسی کلاسیک و نیز چارچوب اسپر (۱۹۹۳) ذکر شده است:

جدول ۱. جملات با بار خطابی و نوع‌شناسی آن

رتوریک دیوید اسپر	رتوریک کلاسیک	جمله یا بند
زیبایی‌شناسانه کردن	مدح	پژوهش روش‌های آمیخته، یک موضوع ساده برای استفاده از عنوان آن در پژوهش شما نیست بلکه تکنیک‌های علمی مخصوصی مرتبط با این روش‌شناسی وجود دارد (ص ۲۲)
زیبایی‌شناسانه کردن	مدح	ویژگی‌های اصلی روش‌های آمیخته: استفاده از روش‌های کیفی و

		کمی قوی و دقیق (ص ۲۳)
زیبایی‌شناسانه کردن	اغراق (نام‌گذاری اغراق آمیز)	در برخی مطالعات، ویژگی‌های اضافی به طرح پایه افزوده می‌شود. این طرح به‌دست آمده را یک طرح پیشرفته می‌نامم (ص ۲۷)
زیبایی‌شناسانه کردن	اغراق (نام‌گذاری اغراق آمیز)	عدالت اجتماعی یا طرح‌های تحول‌گرایانه: این چارچوب در مراحل مختلف مطالعه روش‌های آمیخته وارد می‌شود اما به یک نقطه محوری مطالعه با هدف بهبود زندگی افراد در جامعه امروزی ما تبدیل می‌شود (مانند یک طرح عدالت اجتماعی فمینیستی) (ص ۲۷)
تصدیق، زیبایی‌شناسانه کردن	مدح	- با این حال، اهمیت دارد کسانی که به‌دنبال یادگیری پژوهش روش‌های آمیخته هستند این شش طرح را درک کنند زیرا این طرح‌ها محبوب‌ترین طرح‌هایی هستند که در منابع وجود دارند. (ص ۲۸)
تصدیق، زیبایی‌شناسانه کردن	مدح، اقتباس	تا مشخص شود آیا شامل چهار خصوصیت اصلی یک مطالعه روش‌های آمیخته است یا خیر: ۳. آیا از روش‌های کیفی و کمی دقیق استفاده می‌کنم؟ ۴. آیا مطالعه را درون یک فلسفه یا یک تئوری تدوین می‌کنم؟ (ص ۲۹)
طبقه‌بندی	اغراق	افرادی که می‌خواهند یک مطالعه روش‌های آمیخته انجام دهند اغلب ... با اساتید... مشورت می‌کنند. برخی اوقات این افراد در دسترس نیستند، به‌خصوص برای محققان تازه وارد به عرصه روش‌های آمیخته یا برای افرادی که در برخی کشورهای دورافتاده زندگی می‌کنند. (ص ۳۲)
پایش	توضیح واضح	نخست از شما می‌پرسم که آیا یک شنونده (مانند کمیته داوران، مجله، کتاب‌ها، سازمان‌های تأمین مالی) برای مطالعه روش‌های آمیخته خود دارید (ص ۳۱)
تخصیص	اطناب ممل، تکرار	طرح همگرا، طرح متوالی تبیینی، طرح متوالی اکتشافی (سرتاسر کتاب)
پایش، تخصیص	تأکید خطابی	کلمات «روش‌های آمیخته» برای مشخص کردن روش‌شناسی مورد استفاده [در عنوان] نوشته شود (ص ۳۳)
پایش، تخصیص	تأکید خطابی	[در عنوان پژوهش] از کلماتی که یک مفهوم کیفی دارند دوری کنید. ... همچنین از کلماتی که در بردارنده یک جهت‌گیری کمی هستند نیز خودداری کنید. (ص ۳۳)
پایش، تخصیص، زیبایی‌شناسانه کردن	تأکید خطابی	[مراحل فرایند پژوهش روش‌های آمیخته] ... انتخاب یک عنوان برای پروژه ... انتخاب یک طرح روش‌های آمیخته ... ترسیم یک شکل از طرح خود ... افزودن سؤالات پژوهش (کمی، کیفی و آمیخته) که با طرح شما منطبق باشد (ص ۳۲)
بنیان‌زدایی	اغراق	به دلیل ضعف‌های ذاتی هر کدام از رویکردها، استفاده از هر کدام آنها به تنهایی ممکن است کافی نباشد (ص ۳۶)
تصدیق	تأکید خطابی	پاسخی که محققان روش‌های آمیخته به این سؤال داده‌اند، جست‌وجو برای یک فلسفه است که گردآوری هر دو داده‌های

		کیفی و کمی را توجیه کند. بنابراین، برخی نویسندگان روش‌های آمیخته به سمت عمل‌گرایی رفته‌اند، سایرین به سمت واقع‌گرایی انتقادی و برخی دیگر نیز به سمت تکنرگرایی دیالکتیک رفته‌اند. این انتخاب به این موضوع بستگی دارد که یک محقق در مورد این فلسفه‌های مختلف چه چیزهایی می‌داند (ص ۳۸)
پایش	تأکید خطابی	[تعریف روش‌های آمیخته] ... تعریف روش آمیخته در پژوهش باید بیان کند که ... روش‌های آمیخته یک روش‌شناسی پژوهش برای انجام یک مطالعه در علوم اجتماعی، رفتاری و سلامت است (ص ۳۹)
زیبایی‌شناسانه کردن	تأکید خطابی	ترسیم یک دیاگرام از این طرح برای به اشتراک گذاشتن با دیگران (مانند اعضای کمیته، حاضران در یک کنفرانس یا بررسی کنندگان پروپزال) مفید و کمک‌کننده است (ص ۴۰)
زیبایی‌شناسانه کردن	تأکید خطابی	در ادامه، شما باید طرح پایه خود را در یک دیاگرام ساده و غیرپیچیده ترسیم کنید. سپس می‌توانید خصوصیات مانند رویه‌ها یا محصولات و برون‌دادهای خاص که انتظار دارید در هر مرحله محقق شوند بیفزایید (ص ۴۰)
پایش، تخصیص	تأکید خطابی	- در ادامه، باید یک هدف برای مطالعه خود در نظر بگیرید. ... این هدف ... باید به گونه‌ای باشد که منعکس‌کننده نوع طرح مورد استفاده در مطالعه شما باشد (ص ۴۱)
زیبایی‌شناسانه کردن	تأکید خطابی	[طرح همگرا] ... هر دو مجموعه داده‌ها را در کنار هم قرار می‌دهد. این کار به روش‌های مختلف قابل انجام است ... [اول اینکه] تفسیر یا استنتاج حاصل از دو مجموعه داده را می‌توان در قالب یک بحث متقابل بیان کرد. به عنوان مثال، نتایج کمی ممکن است نخست گزارش شوند و پس از آن نتایج کیفی بیایند. ... رویکرد دیگر تبدیل داده‌هاست که یکی از مجموعه داده‌ها به دیگری تبدیل می‌شود به گونه‌ای که قابل مقایسه با همدیگراند. ... سوم، توسعه نمایش‌های مشترکی (joint displays) است که نتایج کمی را در مقایسه با نتایج کیفی در یک جدول یا نمودار نشان می‌دهد. (ص ۵۷)
تصدیق	اقتباس	طرح عدالت اجتماعی ... در مرکز این مطالعات روش‌های آمیخته می‌بایست یک طرح پایه (همگرا، متوالی تبیینی، متوالی اکتشافی) وجود داشته باشد اما محقق باید نگاه عدالت اجتماعی را در سرتاسر مطالعه وارد کند (توضیح واضح، تأکید خطابی)
طبیعی‌سازی	تأکید خطابی	چگونه یک طرح انتخاب کنیم، ... اگر پیشینه شما از یک جهت‌گیری قوی‌تر کمی نشأت بگیرد، آنگاه شما را ترغیب می‌کنم که به سمت طرحی بروید که با یک پژوهش کمی شروع می‌شود (ص ۸۵)
طبیعی‌سازی، تصدیق	تشبیه	ادغام ... اگر تعریف واژه آمیختن [ادغام] را در فرهنگ لغت جستجو کنید در می‌یابید که در واقع به معنای چیزی است که در چیز دیگری حل می‌شود و یا چیزی که به چیز دیگری متصل

		می‌شود. برای مثال، در خمیر کیک، آرد در مخلوط حل می‌شود. هنگامی که کشمش‌ها را به کیک اضافه می‌کنیم، دست‌نخورده باقی می‌مانند، اما اکثر در خمیر آمیخته شده‌اند. این موضوع در مورد روش‌های آمیخته نیز صحیح است: داده‌های کمی و داده‌های کیفی می‌توانند در یکدیگر حل شوند و یا به شکل جداگانه باقی بمانند. (ص ۱۰۴)
پایش، تخصیص	تأکید خطابی	نگارش مطالعه روش‌های آمیخته برای انتشار، .. پس از آن [به عنوان سردبیر] به دنبال این بودم که آیا نویسنده یا نویسندگان با ادبیات روش‌های آمیخته آشنایی دارند و در حقیقت، آیا به کتاب‌های اخیر روش‌های آمیخته استناد کرده بودند. ... آیا در عنوان مقاله خود به عبارت «روش‌های آمیخته» اشاره کرده بودند؟ (ص ۱۱۱)
تخصیص، زیبای‌شناسانه کردن	مدح، تأکید خطابی	نوآوری دیگر روش‌های آمیخته، نوع جدیدی از سؤال پژوهش است که تاکنون در هیچ کتاب روش پژوهش یافت نشده است: سؤال روش‌های آمیخته. (ص ۱۳۷)

همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، دو بُعد «زیبای‌شناسانه کردن» و «تخصیص» مهمترین ویژگی خطابی کتاب حاضر بر اساس چارچوب اسپر (۱۹۹۳) هستند. همچنین، دو بُعد «تأکید» و «مدح» مهمترین خصوصیت رتوریک کتاب بر اساس بلاغت‌شناسی کلاسیک (همای، ۱۳۸۹) هستند. زیبای‌شناسانه کردن در متون تحلیل گفتمان پسااستعماری (مثل آثار ادوارد سعید) عبارت است از تصویرسازی‌های خیال‌گونه زیبا، عجیب‌وغریب و بعضاً اروتیک از فضا، آداب و رسوم، معاشرت، تشریفات، لباس پوشیدن، آب و هوا و ... کشورهای شرقی در سفرنامه‌ها و خاطره‌نگاری‌های شرق‌شناسان و سیاحان غربی. زیبای‌شناسانه کردن در اینجا به معنای لفاظی‌های زیبا و انتساب صفات و قیود مدح‌گونه و اغراق‌آمیز درباره کارآمدی روش.

همچنین، تخصیص در چارچوب تحلیل رتوریک اسپر (۱۹۹۳) به معنای «از آن خود کردن» است و تاکتیک‌های کلامی‌ای که به‌واسطه آن، نویسنده روش را از آن خود می‌کند و شیوه از آن خود کردن را به افراد دیگر می‌آموزد. در این کتاب نیز نویسنده با عباراتی چون «در عنوان پژوهش» از کلماتی که یک مفهوم کیفی دارند دوری کنید. ... همچنین از کلماتی که در بردارنده یک جهت‌گیری کمی هستند نیز خودداری کنید. (ص ۳۳) به خواننده می‌آموزد چطور عنوان مقاله را بنویسد که آن را از آن خود نماید و به آمیخته بودن آن «تأکید» کند.

همچنین، مؤلف کتاب تلاش می‌کند تا از طریق به‌کارگیری کلماتی چون «تکنیک‌های خاص»، «روش‌های کمی و کیفی دقیق و قوی» و ... به مدح روش پرداخته و آن را زیبا

جلوه دهد گو اینکه روش‌های دیگر تکنیک خاص خود را ندارند و دقیق و قوی نیستند! سراسر کتاب آموزش خطابی «چگونه به‌کار بردن کلمات برای نگارش در چارچوب آمیخته» است: اینکه اهداف و پرسش‌های پژوهش را چطور بنویسیم و چطور آمیخته بودن را در آنها تأکید کنیم، عنوان پژوهش را چطور بنویسیم و اینکه «حتماً» ترکیب «روش آمیخته» را در عنوان به‌کار ببریم، اینکه چطور از نمودارها برای اقناع سردبیران مجله و ارزیابان در خصوص آمیخته بودن روش پژوهش استفاده کنیم، و اینکه چطور با توجه به مطالعاتمان، یک جهان‌بینی (عمل‌گرایی، واقع‌گرایی انتقادی یا تکثرگرایی دیالتکتیک؛ فرقی نمی‌کند!) به بخش روش‌شناسی اضافه نماییم.

۷. نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر تلاش شد تا شکل، ترجمه و محتوای کتاب «درآمدی بر پژوهش روش‌های آمیخته» نقد شود. مهمترین نقد شکلی کتاب به طرح جلد، صحافی و صفحه‌آرایی کتاب معطوف شد و در نقد به ترجمه نیز به ماشینی بودن ترجمه کتاب تمرکز گردید. در نقد محتوای کتاب نیز تلاش شد تا ابعاد رتوریک کتاب مورد نقد، آشکار شود. در پاسخ به پرسش نخست، در مجموع باید گفت که کتاب در میان سایر آثار منتشر شده، یک کتاب مقدماتی است و فاقد مشروح مباحث است. همچنین، مثل سایر آثار این حوزه، حجم زیادی از کتاب به معرفی روش‌های کمی و کیفی تخصیص یافته و بخش بسیار کوچکی به روش‌های ترکیب تخصیص یافته است. بقیه فصول نیز بیشتر شکلی است و راهنمایی است برای نحوه نگارش در قالب این چارچوب.

در پاسخ به پرسش دوم، مهمترین نقد شکلی به کتاب عبارت است از طرح جلد، صحافی و صفحه‌آرایی کتاب، که نشان از تعجیل برای انتشار دارد. مهمترین نقد ترجمه‌ای وارد بر کتاب، «ترجمه ماشینی» است. نحو انگلیسی به‌وضوح در جملات انگلیسی دیده می‌شود و بدین جهت، کتاب پر است از جملات مبهم، اصطلاحات گنگ و معادل‌های نامناسب. به‌علاوه، اغلاط املائی و رسم‌الخطی نیز مزید بر علت شده و خواندن آن را دشوار کرده است.

در پاسخ به سوال سوم، مهمترین نقدهای وارد بر محتوای کتاب عبارت است از «روش نبودن» طرح آمیخته. بنا به استدلالاتی که در این خصوص در بخش نقد محتوایی ارائه شده است می‌توان ادعا کرد که: ۱. بخش بزرگی از آثار نوشته شده برای معرفی طرح آمیخته به

تشریح روش‌های کمی و کیفی اختصاص دارد؛ ۲. ترکیب داده‌های کمی و کیفی می‌تواند در چارچوب هر روشی اتفاق بیفتد و ارائه راه‌های ترکیب فقط پیشنهاد الگوست نه روش خاص؛ ۳. در بیان بنیان‌های فلسفی این طرح، از فلسفه عمل‌گرایی استفاده ابزاری شده و فقط به بُعد پیامدگرا و نتیجه‌انگار آن تأکید شده است که این کار، آن را تبدیل به یک طرح باز نموده است که می‌تواند هر چیزی در آن بگنجد و هر شیوه‌ای (غیر از شیوه‌های پیشنهاد شده) به کار رود که این باز بودن، آن را از مستقل بودن می‌اندازد.

در پاسخ به پرسش چهارم باید گفت که مؤلف این کتاب از بین ۱۲ شیوه خطایی چارچوب اسپر، بیشتر از دو شیوه «زیبایی‌شناسانه کردن» و «تخصیص» بهره برده است. برای زیبایی‌شناسانه کردن بیشتر از «مدح» یا «اغراق» استفاده شده و برای تخصیص بیشتر از «تأکید» بهره گرفته شده است. مؤلف برای زیبا نشان دادن اثر و وارد کردن آن در قلمرو زیبایی‌شناسی، از لفاظی‌های مدح‌گونه، زیبا و مدح‌گونه درباره کارایی این روش بهره گرفته است. همچنین، مؤلف برای «از ان خود کردن» این طرح، سعی کرده با «تأکید» روی استفاده از این نام در عنوان و روش پژوهش و اجتناب از به‌کارگیری روش‌های کمی و کیفی، این طرح را از آن خود کند و آن را مستقل از روش‌های کمی و کیفی نشان دهد.

در انتها ذکر چند پیشنهاد مفید به نظر می‌رسد: اول، انتخاب کتاب برای ترجمه و معیارهای انتخاب است. معیارهایی که معمولاً برای انتخاب کتاب جهت ترجمه مدنظر قرار می‌گیرد عبارت است از کلاسیک بودن (مثل پدیدارشناسی روح اثر هگل) علایق خوانندگان (مثل کتاب مکتب فرانکفورت اثر تام باتامور)، تازگی موضوع (مثل کتاب پدیدارشناسی تجربه اخلاقی اثر موریس ماندلباوم)، جامعیت کتاب (مثل کتاب فلسفه مدرن فرانسه اثر رابرت ویکس)، زاویه دید جدید (مثل کتاب در پی فضیلت اثر السدیر مک‌ایتتایر)، افق‌های تازه (مثل کتاب درآمدی بر فرهنگ‌های سایبر اثر دیوید بل)، دانش نو (مثل کتاب جهان هولوگرافیک اثر مایکل تالبوت)، سبک نگارش بدیع (مثل کتاب تفکر و شاعری اثر مارتین هیدگر)، پژوهش نوآورانه (مثل کتاب اطاعت از اتوریته اثر استنلی میلگرام) و ویژگی‌های آموزشی (مثل کتاب طراحی پژوهش‌های اجتماعی اثر نورمن بلیکی). متأسفانه این کتاب واجد هیچ‌یک از معیارهای یادشده نبود و بنا به اظهارنظر نویسنده، کتابی «خلاصه» بوده برای معرفی مقدماتی این چارچوب به «شرکت‌کنندگان در کارگاه‌های روش‌های آمیخته» (ص. ۱۶). بنابراین به نظر می‌رسد نه کتاب خوبی برای ترجمه انتخاب شده و نه ترجمه مناسبی از کتاب ارائه شده است. همچنین پیشنهاد می‌شود

در ترجمه یا تألیف آثار روش‌شناختی، به جنبه‌های اخلاقی روش‌ها نیز توجه شود و خطرات احتمالی تأکید بر رتوریک پژوهش در این گونه آثار (به جای تشریح مفصل و مؤکد بن‌مایه‌های اصلی آنها) در قالب فصول یا پانویس‌های توضیحی گوشزد گردد.

کتاب‌نامه

- کرسول، جان (۱۳۹۵). درآمدی بر پژوهش روش‌های آمیخته. ترجمه مرتضی اکبری و راضیه اکبری. تهران: روش‌شناسان؛ جامعه‌شناسان.
- کرسول، جان (۱۳۹۲). طرح پژوهش: رویکردهای کیفی، کمی و آمیخته. چاپ دوم، تهران: جهاد دانشگاهی واحد دانشگاه علامه طباطبائی.
- کوثری، مسعود و احمدزاده، مصطفی (۱۳۹۳). زیبایی‌شناسانه‌کردن دیگری: تحلیل رتوریک بازنمایی کردها در سفرنامه‌های غربی. مطالعات جامعه‌شناختی، ۲۱ (۱)، ۹-۴۷.
- نیچه، فردریش (۱۳۷۳). در باب حقیقت و دروغ به مفهومی غیر اخلاقی. ترجمه مراد فرهادپور. ارغنون، شماره ۳، ۱۲۱-۱۳۶.
- همایی، جلال‌الدین (۱۳۸۹). فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: اهورا.
- Creswell, J. (2003). *Research design: Qualitative, quantitative, and mixed methods approaches*. Thousand Oaks: Sage.
- Creswell, J. W. & Plano Clark, V. L. (2007). *Designing and Conducting Mixed Methods Research*. Thousand Oaks: Sage.
- Fallis D (2009). *A conceptual analysis of disinformation*. iConference, Chapel Hill, NC, California, USA.
- Grant, Maria J. & Booth†, A. (2009). A typology of reviews: an analysis of 14 review types and associated methodologies. *Health Information and Libraries Journal*, 26, 91-108.
- Johnson, R. B. & Onwuegbuzie, A. J. (2004). *Mixed Methods Research: A Research Paradigm Whose Time Has Come*. *Educational Researcher*, 33 (7), 14-26.
- Johnson, R. D. (1995). *Rhetoric and Metaphor in the Emergence of Modern Physics*. PhD Thesis, Iowa State University, Iowa, USA.
- Rahimpour, S.; Sotoudehnama, E. & Dabir-Moghadam, M. (2016). A Critical Discourse Analysis-Based Investigation of Researcher Identity in Mixed Methods Applied Linguistics Research Articles. *Journal of Language and Translation Studies*, 49 (3), 1-5.
- Spurr, D. (1993). *The Rhetoric of Empire: Colonial Discourse in Journalism, Travel Writing, and Imperial Administration*. London: Duke University Press.
- Tashakkori, A. & Teddlie, C. (2003). *Handbook of Mixed Methods in Social & Behavioral Research*. Thousand Oaks: Sage.